

تحلیل تطبیقی نماز مسافر از منظر اخباریون و قرآنیون*

□ فاطمه زاهدی**

□ محمد فاکر میبدی***

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل تطبیقی قصر نماز مسافر در دیدگاه اخباری‌ها و قرآنی‌ها به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای می‌پردازد و تفسیر دو گروه از آیه ۱۰۱ سوره نساء را به پژوهش می‌گیرد تا اشتراکات و اختلافات آن‌ها را درک کند و به بحث بگذارد.

درباره نماز مسافر فقط یک آیه (نساء: ۱۰۱) نازل شده است؛ لذا میدان تفسیر تنگ و دشوار اما اختلافات بسیار است. اخباری‌ها آیه را به نماز مسافر و وجوب قصر تفسیر کرده‌اند، که نمازهای چهاررکعتی باید دوررکعتی خوانده شوند. مبنای تفسیر آن‌ها نیز اخبار عترت علیهم‌السلام است.

قرآنی‌های اهل سنت از آن‌جا که سنت را مرجع استنباط حکم شرعی نمی‌دانند، بعضاً آیه را طبق ظاهر و سیاق آن به نماز خوف تفسیر کرده‌اند و قصر را رخصت می‌دانند، نه وجوب. علاوه بر این، قصر را قصر در ارکان و هیأت نماز تفسیر می‌کنند، نه قصر در رکعات. قرآنی‌های شیعه به‌رغم اختلاف مبنایی اما در برخی وجوه قصر نماز مسافر با اخباری‌ها اشتراک نظر دارند؛ یعنی با نظر به اخبار

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۵/۱۲.

** دانشجوی دکتری مؤسسه آموزش عالی شهید بنی‌الهدی (نویسنده مسئول) (fatemezahedi888@gmail.com).

*** استاد گروه قرآن و حدیث جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية (m-faker@miu.ac.ir).

معصومین علیهم السلام درباره احکام نماز مسافر فتوا داده‌اند و بر همین اساس، با قرآنی‌های اهل سنت اختلاف نظر دارند و بعضاً به آن‌ها نزدیک‌اند.

واژگان کلیدی: نماز مسافر، آیه ۱۰۱ سوره نساء، اخباریون، اهل حدیث، قرآنیون.

مقدمه و بیان مسأله

نماز مهم‌ترین عبادت دینی است و در اهمیت آن همین بس که «أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ الْعَبْدَ الصَّلَاةَ فَإِنْ قِيلَتْ قَبْلَ مَاسَوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَاسَوَاهَا» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۲/۴۹۶). علاوه بر این، نماز در شرایع آسمانی فرض است و ضمن پیوند با عبادت‌های دیگر، در کانون شبکه‌ای از عبادت‌ها و فرائض جای دارد. با این‌که نماز طی سالیان متعدد توسط نبی مکرم صلی الله علیه و آله در منظر مردمان انجام می‌شد اما با این‌حال، کیفیت ادای نماز از جهات مختلف مورد مناقشات زیادی واقع شده و گروه‌هایی پدید آمده‌اند که درباره نماز حرف‌های متفاوت می‌زنند.

یکی از احکام اختلافی در باره نماز، قصر آن است. خداوند متعال برای نمازگزار مسافر آسان گرفته تا نمازهای چهاررکعتی را دوررکعتی بخواند. اصلی که قصر نماز مسافر را اثبات می‌کند، آیه ۱۰۱ از سوره نساء است. آیه کریمه می‌فرماید: «وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا» (نساء: ۱۰۱). در این‌که آیه درباره قصر نماز است، همه موافق‌اند اما درباره تفسیر و تفصیل جزئیات آن اتفاق نظر وجود ندارد. از آیه، تفسیرهای مختلف ارائه شده و جدل‌های فراوانی حول آن پدید آمده است. پرسش اصلی مقاله این است که تفسیر اخباری‌ها و قرآنی‌ها از آیه فوق چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر قصد دارد به روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب مطالعات تطبیقی با پژوهش در منابع کتابخانه‌ای، نماز مسافر را از منظر مکتب اخباریون و قرآنیون مورد بررسی و تحلیل تطبیقی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع «نماز مسافر» براساس رویکردهای فقهی و تفسیری مختلف، تحقیقات

مختلفی از دیرباز تا کنون صورت گرفته است. یکی از مفصل‌ترین آثار فقهی معاصر درباره کلیت نماز، کتاب «المستند فی شرح العروة الوثقی» (تقریر بحث‌های مرحوم خویی) است که ده جلد آن به نماز اختصاص دارد (البروجردی، ۱۴۳۰ق) یا شش جلد از کتاب «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة» اثر شیخ یوسف بحرانی به بحث نماز پرداخته است. (البحرانی، ۱۴۱۳ق) یا چهار جلد از مجموعه تراث شیخ اعظم شامل بحث «الصلاة» است که یک جلد آن تماماً به «نماز مسافر» اختصاص دارد. از فحول علما و فقهای عظام کتب متعدد درباره نماز به جای مانده است. اصولیون در این مورد بیشترین آثار را دارند، آثار اخباری‌ها هم البته سزاوار توجه است اما آثار قرآنیون درباره نماز نسبت به آثار اصولی‌ها و اخباری‌ها معدود است. به هر حال، صرف‌نظر از منابع قدما و دست‌اول، درباره کلیت نماز اما مقالات و تحقیقات تطبیقی درباره مبانی و دیدگاه کلی اخباریون و قرآنیون اندک است، چه رسد به این‌که به‌طور خاص درباره نماز مسافر نزد آن‌ها تحقیق شده باشد. طبق جست‌وجویی که در اینترنت و سایت کتابخانه‌ها انجام گردید، هیچ تحقیقی در خصوص تحلیل تطبیقی نماز مسافر از دید دو فرقه اخباریون و قرآنیون یافت نشد. بنابراین، این موضوع جدید است و ارزش تحقیق دارد. ازین‌رو، در این پژوهش می‌خواهیم ببینیم اخباریون و قرآنیون چه برداشتی از این مسأله دارند و نظر آن‌ها در مورد نماز مسافر چیست؟ برای پاسخگویی به این پرسش، پس از مفهوم‌شناسی مفاهیم محوری، به بررسی اقوال دو جریان فوق ذیل آیه کریمه قصر نماز خواهیم پرداخت. البته در تحقیق حاضر، دیدگاه همه اخباریون و قرآنیون یک‌به‌یک بررسی نخواهد شد؛ زیرا در مجال این نوشتار نیست؛ بلکه به بررسی چند نمونه بسنده خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی تحقیق حاضر را چهار مفهوم محوری شکل می‌دهد: اخباریون، اهل حدیث، قرآنیون و نماز مسافر. لذا در ادامه به بررسی کوتاه آن‌ها می‌پردازیم تا ادبیات تحقیق واضح باشد.

اخباریون

مکتب اخباری‌ها یکی از مشهورترین مکاتب شیعه است که آثار گرانقدری به تاریخ پرافتخار تشیع عرضه داشته است. گرچه در معنای عام، گرایش به اخبار شامل اهل حدیث هم می‌شود اما به معنای خاص، اخباری‌گری به گروهی اطلاق می‌شود که در قرن یازدهم هجری ظهور یافت. مؤسس این گرایش را «محمدامین استرآبادی» گفته‌اند که با کتاب «الفوائد المدنیة» جریان اخباری‌گری را کلید زد. این جریان در آغاز با دیدگاه‌های افراطی ظهور کرد اما بعدها معتدل شد (مانند شیخ یوسف بحرانی و فیض کاشانی). این جریان در اواخر قرن دوازدهم توسط اصولی‌ها کنار زده شد (شاهرودی، تفصلی و پهلوان ۱۳۹۷: ۹۰-۹۱).

اخباری‌ها با این‌که در قرون یازده تا چهارده هجری فعال بوده‌اند اما فهرست کامل و دقیقی از فقهای اخباری در دست نیست. چون نه تعریف دقیقی از «اخباری» ارایه شده و نه ملاک قطعی برای شناخت فقهای اخباری در دست است. (زرقی، صابری و عبداللہی نژاد ۱۳۹۵: ۲۵) مهمترین ویژگی آن‌ها این است که به‌طور عمده اخبار اهل بیت (علیهم‌السلام) را مأخذ عقاید و احکام خود می‌دانند؛ یعنی به اجتهاد و استنباطات عقلی باور ندارند (همان: ۲۶؛ و ۵۸).

اخباریون روش اجتهادی اصولیون (که در چارچوب علم اصول حاصل می‌آید) را قبول ندارند. دیگر این‌که می‌گویند عقل بر فرض کشف حکم، بیش از «ظن» چیزی به دست نمی‌آورد. تحصیل ظن چون کفایت نمی‌کند، پس دیدگاه اصولی‌ها اعتبار و امتیاز ندارد. در نتیجه، اخباری‌ها روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را به‌عنوان یگانه مرجع تحصیل علم شرع قلمداد کرده‌اند. در این صورت، از آن‌جا که عقل حجیت و کاشفیت ندارد، پس تنها می‌توان به اخبار اکتفا کرد (عابدی شاهرودی ۱۳۶۹: ۷۵) به‌هرحال، اخباری‌ها همان‌سان که عقل را محکوم می‌کنند اما برای اثبات مدعیات و اعتقادات خود از استدلال و براهین عقلی بهره می‌گیرند. اخباری‌ها این تعارض و تناقض را حل نکرده‌اند (رفاعی ۱۳۷۱: ۵۵). خلاصه، اخباری‌گری «مکتبی است با قواعد و اصول خاص و مضبوط در فهم و کشف دین که اختصاص به این مکتب دارد و برای کشف احکام شرعی بر ادله نقلی تکیه می‌کنند و دلایل عقلی جایگاهی

در فهم و استنباط احکام دین ندارند» (جعفرزاده، ۱۳۹۴: ۸).

اما در باب قرآن، اخباری‌ها باور دارند که استناد به آیات جهت تحصیل احکام شارع اگر به روایات متکی باشد، قابل قبول است اما اگر روایتی درباره آن نیامده باشد، آنگاه چنین استنادی به آیات صحیح نیست. استرآبادی می‌نویسد: «استنباط احکام نظری نه از ظواهر کتاب خدا جایز است و نه از ظواهر سنت‌های نبوی، مادام که احوال آن‌ها از سوی اهل ذکر علیه السلام معلوم نشده باشد، بلکه توقف و احتیاط در آن‌ها واجب است» (استرآبادی ۱۴۲۴: ۱۰۴) اخباری‌ها حتی در ظواهر کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله به «کلام عترت طاهره علیهم السلام مراجعه می‌کنند. با این رجوع اگر به مقصود رسیدند، فهو المطلوب؛ اما اگر نرسیدند، «توقف و تثبت» را واجب می‌دانند. (همان: ۳۳۶) بر این اساس، برخی گفته‌اند که اخباری‌ها به قرآن و سنت پیغمبر عمل نمی‌کنند بلکه «بنای عمل ایشان بر احادیث ائمه است و بس» (انصاری قمی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

اهل حدیث

اهل حدیث، فرقه‌ای از اهل سنت با اندیشه ظاهرگرایی و اکتفا به حدیث در فهم و استنباط شریعت است که در واکنش به جریان ممنوعیت کتابت حدیث و اصحاب رأی شکل گرفت. این تعبیر در جهان اهل سنت سه کاربرد متفاوت دارد: ۱. اهل حدیث یا اصحاب حدیث، به تدوین‌گران حدیث نبوی اطلاق می‌شد که وظیفه خود را گردآوری، نشر و گسترش احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله می‌دانستند و نخستین تدوین‌گران حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از لغو ممنوعیت کتابت در روزگار عمر بن عبد العزیز (م ۱۰۱ق) همین‌ها بودند. جریان ممنوعیت کتابت احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره ابی‌بکر خلیفه اول شکل گرفت. براساس گزارش‌های تاریخی ابوبکر، برخی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را در آتش سوزاند تا مردم به گمراهی کشیده نشوند (عسکری، ۱۴۳۰: ۱/۲۵۴). پس از ابوبکر، عمر بن الخطاب خلیفه دوم نیز این روند را تقویت کرد، تا جایی که سه تن از روات رسول الله صلی الله علیه و آله یعنی؛ ابن مسعود، ابودرداء و ابومسعود انصاری را به دلیل نقل احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله به زندان انداخت (همان: ۷۵). این جریان با استناد

به سفارش پیامبر ﷺ به صحابه در مورد حفظ سخنانش (ترمذی ۱۹۷۵: ۲۷۳/۹) با ایده «کفانا کتاب الله» (صحیح بخاری، ۱۴۲۲: ۱/۱۹۴) مخالفت می‌کردند. این جریان تا سال‌های آخر سده نخست هجری ادامه یافت. سال ۹۹ هجری وقتی عمر بن عبدالعزیز حکومت را به دست گرفت به کارگزارانش در مدینه دستور داد کسانی به گردآوری و تدوین حدیث نبوی بپردازند (سخاوی، شمس‌الدین، ۱۴۱۴: ۴۳). این افراد که در عرصه حدیث و شناخت آن کوشیدند، به تدریج به دلیل همین اهتمام، به اصحاب حدیث یا اهل حدیث شناخته شدند (الشهرستانی، ۱۳۹۵: ۱/۲۰۶). اصحاب حدیث افزون بر تدوین حدیث به تطبیق حدیث بر قرآن و پژوهش در علل، معانی، اختلاف و مشکلات احادیث و سنجش معیارهای محدثان نیز توجه داشتند. آنان خود را حافظان حدیث و سنت نبوی و پاسداران شریعت می‌دانستند. حتی برخی به صراحت نوشتند در میان فرقه‌های اسلامی به پشتوانه حدیث افتراق امت، اهل حدیث مصداق فرقه ناجیه‌اند (اسماعیلی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۱۲: ۷۹؛ و خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴۵).

۲. اهل حدیث به کسانی اطلاق می‌شود که به ظاهر احادیث اکتفا می‌کنند و هرگز به خودشان اجازه نمی‌دهند که در مسایل اعتقادی بحث و استدلال کنند (خالد کبیر علل، ۴۲۶: ۱۴۰) در رأس آنان مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ق)، محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق) و احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ق) قرار دارند. این گروه با هرگونه اندیشه‌ورزی در حوزه دین مخالف بودند. معروف است که وقتی شخصی از مالک بن انس درباره آیه شریفه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۲۰) پرسید، وی در پاسخ گفت: «استوای خدا بر عرش معلوم است، کیفیت آن مجهول، ایمان به آن واجب و پرسش درباره آن بدعت است» (برنجکار، ۱۳۸۱: ۱۲۱). این گروه، در مقابل اهل رأی که از ظاهر الفاظ بیرون می‌شدند و به تأویل رو می‌آوردند قرار دارند، آن‌ها با نگارش آثار گوناگون به رد تأویل پرداخته، باورمندان به تأویل را شدیداً نقد می‌کردند (همان). به باور اهل حدیث، این روش از حدیث‌گرایی هیچ منافاتی با اجتهاد ندارد، بلکه هم می‌توان اجتهاد کرد و هم از ظاهر نصوص دست برد نداشت.

۳. سومین کاربرد این اصطلاح، که اهل حدیث نیز بیشتر با آن شناخته می‌شوند، این است

که اصحاب حدیث گروهی هستند که در استنباط احکام شرعی منابع خود را به کتاب و سنت منحصر کرده و به نقش عقل در استنباط شریعت اعتنایی ندارند (السمعی، ۱۹۹۶: ۴-۵). این جریان که در میان اهل سنت شکل گرفته، عدل و هم‌پایه جریان اخباری‌گری شیعه دانسته شده است و قرابت‌های خانوادگی زیادی باهم دارند، جز این‌که از نظر مبانی اعتقادی به حجیت سنت امامان شیعه باورمند نیستند.

قرآنیون

قرآنیون یک جریان نوظهور و برخاسته از شبه‌قاره هند است که از رهگذر مصر به جهان عرب و سپس به سراسر جهان راه یافته است و طیف‌های مختلفی را تشکیل می‌دهد (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۹۹). طبق تعریف برخی‌ها، «قرآنی کسی است که به قرآن چونان تنها مصدر تشریع اکتفا می‌کند» (الشاعر، بی‌تا: ۷). قرآنیون کتاب خداوند را مطابق مدلول کلمات در هنگام نزول تفسیر می‌کنند و با مدلول اموی یا عباسی کلمات موافق نیستند. قرآنیون قرآن را مقدس می‌شمارند و رسول خدا ﷺ را احترام می‌گذارند. آن‌ها به خدا و ملائکه و رسولان و کتاب‌های الهی و قیامت و مانند آن‌ها ایمان دارند؛ نماز می‌گزارند؛ زکات می‌دهند و روزه می‌گیرند. با این حال، در شکل برخی عبادات با دیگر مذاهب اختلاف دارند. نظرشان در باب سنت رسول خدا ﷺ این است که آنچه از آن با قرآن متفق است، بدان عمل می‌کنند؛ چون عین عمل به قرآن است اما آنچه از سنت نبوی با قرآن اختلاف دارد، آن را ترک می‌کنند (همان). از این‌رو، اهل حدیث و قرآنیون را می‌توان مخالفان جدی یکدیگر دانست.

قرآنیون به «کفایت قرآن به‌عنوان یگانه منبع تشریع احکام» قایل‌اند و حجیت حدیث را نمی‌پذیرند (آقایی ۱۳۸۹: ۹۳). این وصف در عنوان مقاله یکی از آن‌ها عیان است: «الاسلام هو القرآن وحده» (توفیق افندی صدقی، ۱۲۸۵). وی می‌نویسد: «بین هیچ‌یک از مسلمانان در این امر اختلاف نیست که متن قرآن شریف مقطوع به است؛ زیرا لفظ به لفظ منقول از نبی ﷺ است، بدون زیادت و نقصانی، و در عصر پیامبر ﷺ و به امر او مکتوب شده است؛ به خلاف

احادیث نبوی که مطلقاً چیزی از آن‌ها مکتوب نشده، مگر مدتی پس از عهد او» (توفیق افندی صدقی، ۱۲۸۵: ۵۱۵). این گروه معتقد است که احادیث چون در معرض تلاعب و فساد بوده، لذا اعتبار فی نفسه ندارد. این‌ها غیر از قرآن را ضروری دین نمی‌دانند. صبحی منصور - که به تعبیر برخی‌ها «پیشوای سنت‌ستیزی» است (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۳) - معتقد است که قرآن همه ضروریات دین را بیان کرده و چیزی کم نگذاشته است. به همین خاطر، قرآن کتاب جدی است که اضافات و زواید ندارد و هزل نیست (صبحی منصور، ۲۰۰۵: ۲۵-۲۸).

برخی از دلایل قرآنیون که سنت را در کنار قرآن به عنوان مصدر کشف احکام نمی‌پذیرند، اجمالاً عبارت‌اند از: ۱) و حیانی نبودن سنت؛ ۲) معصوم نبودن پیامبر ﷺ؛ ۳) شرک‌آمیز بودن سنت؛ ۴) ظنی بودن سنت؛ ۵) زمانمندی سنت؛ ۶) مخدوشیت سنت از حیث سند و متن؛ ۷) تفرقه‌آمیز بودن سنت؛ ۸) عدم اهتمام پیامبر ﷺ و صحابه به حفظ و کتابت سنت (طیبی و مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۴۹). توضیح یک دلیل قرآنیون این است که قرآن کتاب هدایت است. اگر به تنهایی برای هدایت بشر کافی و قابل فهم نباشد، آنگاه معلوم می‌شود که جعلی و تحریفی است. چون کتابی که مردم از فهم آن عاجز باشند، نمی‌تواند هدایتگر آن‌ها باشد. پس چنین کتابی از سوی خدا نازل نمی‌شود (شعار، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶).

خلاصه، دو اصل اساسی که قرآنیون بدان باور دارند، عبارت‌اند از: ۱. کفایت قرآن: تفسیر قرآن به حدیث نیاز ندارد. زیرا براساس مبنای این گروه، قرآن جامعیت دارد و تشریع نیز منحصر به قرآن می‌باشد. فقدان حکمی از احکام در قرآن به معنای نقص قرآن و خلاف جامعیت آن است؛ به همین دلیل احکام سنت تنها در صورت موافقت با قرآن مورد قبول است؛ ۲. انکار حجیت حدیث، به دلیل فقدان خصایص و حیانی که مانع الزام و التزام به حدیث و سنت می‌شود (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). بنابراین؛ سنت از نظر این گروه، حجیت شرعی ندارد. لذا اگر حکمی در قرآن نباشد و در سنت باشد، حکم سنت به عنوان حکم شرعی قبول نمی‌شود. این‌که از باب دیگر مثلاً عرف، قبول شود سخنی دیگر است. چه این‌که قاعده این است که فقط قرآن وحی الهی است، لفظاً و معنا، اما سنت وحی نیست. پس

سنت حجیت شرعی ندارد. حالا که حجیت شرعی ندارد حکمش مانند دیگر احکام بشری است که در قرآن نیست.

نماز مسافر

دکتر جواد علی براین نظر است که قاطبه مذاهب اسلامی درباره نمازهای پنج‌گانه روزانه و تعداد رکعات آن‌ها «اجماع» دارند. همچنین در شکل اساسی نماز اختلاف ندارند اما در باب مسایل فرعی نماز اختلاف دارند که این امر به وضع عام نماز ربط ندارد (جواد علی، بی‌تا: ۶). باید دید که اخباریون و قرآنیون آیا در شکل اساسی نماز با مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند یا خیر و در چه وجوهی اختلاف دارند؟ به همین خاطر، بایسته است که نخست اجمالی بسیار کوتاه از نظر اکثریت مسلمانان درباره نماز مسافر مورد ملاحظه قرار گیرد تا تفاوت این دو مکتب هم با دیدگاه یکدیگر و هم با دیدگاه اکثریت مسلمین مشخص شود.

نماز در لغت به معنای دعاء و رحمت و استغفار است و اسلام آن را به فریضه معروف اختصاص داده که دارای ساختار و هیأتی متشکل از افعال و اقوال به نحو خاص است. البته گفته شده که واژه «صلاة» در اصل «آرامی» است که از اصل «صل ل ا» اخذ شده و به معنای رکوع و خم شدن است؛ ولی بعد به معنای معروف دینی استعمال شده است (جواد علی، بی‌تا: ۷-۸). لفظ نماز در قرآن به معانی متعدد آمده که برخی برای آن ۱۷ معنا و ۸ مترادف برشمرده‌اند (ابن سلیمان الرومی، ۱۴۱۷: ۱۱-۱۷).

در قرآن به هشت نماز اشاره شده است: نماز سفر، نماز خوف، نماز جمعه، نماز مریض، نماز جنازه، نماز عید، نماز شب، و نماز جماعت (همان: ۹۰). آیاتی که درباره نماز نازل شده‌اند، حداقل چهار دسته‌اند: ۱. آیاتی که امر به اقامه نماز دارند؛ ۲. آیاتی که در وصف نمازگزاران نازل شده است؛ ۳. آیاتی که فضل نماز را تذکر می‌دهند؛ ۴. آیاتی که به ذم و وعید متخلفان از نماز می‌پردازند (المرشدی العتبی، ۱۴۳۳: ۲۱-۴۲).

به نحو کلی، نماز شرعی مشتمل بر سه چیز است: احکام و شروط و کیفیت، که دو چیز

دیگر نیز در پی دارد: احکام سهو و قضاء (الحلی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۵). از یک لحاظ، نماز یا تمام (۱۷ رکعت) است یا قصر (۱۱ رکعت). قصر در نمازهای چهار رکعتی به «اجماع» علما جایز است. اصل استنادی آن آیه ۱۰۱ سوره نساء است و نیز فعل نبی ﷺ که در سفرهای حج و غزوه‌ها به قصر می‌خواندند (الحلی، ۱۴۱۰: ۱۶۳/۲). البته علامه حلی تذکر می‌دهد که قصر «واجب» است، نه «رخصت» که ترکش جایز باشد (همان: ۱۶۶). ضمناً قصر تنها در «عدد رکعات» است، نه غیر آن (همان: ۱۶۷). مرحوم شهید اول در کتاب «غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد» شش شرط برای تعیین وجوب قصر بر شمرده است: مسافت، قصد، عدم قطع سفر، جواز و عدم حرمت سفر، دایم السفر نبودن، و حد ترخص (شهید اول، ۱۴۳۵: ۱/۱۵۷-۱۵۸). البته در کتاب «اللمعة الدمشقیة»، قصد و مسافت یک شرط حساب شده است (شهید اول، ۱۴۳۵: ۱۳، ۴۸). ادخال شرط قصد در مسافت توسط علمای دیگر مانند مرحوم محقق حلی نیز انجام شده است (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۱/۳).

اهل سنت نیز به قصر نماز باور دارند اما در وجوب یا رخصت بودن آن اختلاف دارند. برخی‌شان از ابن عباس نقل می‌کنند که: «خداوند نماز را بر زبان پیامبران واجب کرد، در حضر چهار رکعت، در سفر دو رکعت و در خوف یک رکعت» (العوذ، ۱۴۱۹: ۱۴۷۳). طبق نقلی دیگر، قصر نماز صدقه‌ای است که خداوند تصدق بندگان نموده است (ابن سلیمان الرومی، ۱۴۱۷: ۹۱). قصر نماز مسافر بر اساس سه اصل ثابت می‌شود: کتاب (نساء: ۱۰۱)؛ سنت (اخبار متواتر) و اجماع (القحطانی، ۱۴۲۱: ۳۰-۳۳).

آیه ۱۰۱ سوره نساء تنها آیه‌ای است که درباره حکم نماز مسافر سخن گفته است. معنای واژگان کلیدی آیه بدین شرح است: «ضرب» در لغت به معنای «ایقاع شیء علی شیء» و ضرب فی الارض به معنای «الذهاب فیها وضربها بالأرجل» است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۳۰: ۵۱۲). «جناح» به معنای «میل و عدوان و اثم» است (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۱۹۴). «قصر» در لغت دو ریشه صحیح دارد: یکی به معنای نرسیدن به نهایت است و دیگری به معنای حبس. قصر طبق معنای ریشه اول، متضاد طول و به معنای کوتاه کردن و تمام نکردن است (همان: ۸۲۱).

«خوف» متضاد امن و به معنای بیم و ترس و هراس است.

دو فراز مهم آیه که محور اختلافات واقع شده، عبارت است از: الف) «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ»؛ ب) «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا». برخی از اهل سنت مانند فخر رازی قایل اند که آیه می‌فرماید: «بر شما اشکالی نیست». معنای این تعبیر جواز قصر است، نه وجوب آن. به نظر آن‌ها، «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» بر وجوب و الزام دلالت نمی‌کند. اما فقهای شیعه معنای آن را با استناد به آیات دیگر، وجوب تفسیر کرده‌اند. در مورد فراز دوم، فقهای اهل سنت «خوف» را شرط جواز قصر تلقی کرده‌اند. لذا در صورتی که خوفی در کار نباشد، به نظر آن‌ها قصر جایز نیست و نماز باید تمام خوانده شود. اما فقهای شیعه خوف را شرط قصر نماز مسافر تلقی نمی‌کنند که با انتقای شرط (خوف)، مشروط (قصر) منتفی شود (اسدی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳). به هر حال، شروط و احکام قصر نماز مورد اختلاف است. این‌جا همه اختلافات مدنظر نیست و فقط به بررسی دیدگاه اخباریون و قرآنیون درباره تفسیر آیه مذکور بسنده خواهد شد.

مقایسه دیدگاه اخباریون و قرآنیون

اخباری‌ها بر روایات تأکید اکید دارند و قرآنی‌ها بر آیات چنین اصراری دارند. اخباری‌ها چون زودتر ظهور کرده‌اند، بررسی دیدگاه آن‌ها اول می‌آید.

۱. دیدگاه اخباریون درباره نماز مسافر

مرحوم علامه مجلسی و فیض کاشانی و شیخ یوسف بحرانی جزو اعظم معتدل اخباری به شمار می‌آیند. لذا آثار آن‌ها محور بررسی قرار می‌گیرد.

علامه مجلسی «ضربتم» را به «سافرتم» معنا کرده، و «جناح» را به «حرج و اثم». ایشان معنای سفر را طبق نص کتاب معتبر دانسته، می‌افزاید: با این‌که ظاهر آیه خروج از خانه را کفایت می‌کند اما علمای ما بر شرطیت مسافت (طبق حد ترخص) اجماع دارند. در باب قصر هم قول فقها و مذهب اهل بیت را اختیار می‌کند: قصر یعنی چهار رکعتی را باید دور رکعتی

خواند. مذهب ما قصر را تنها در رکعات نمازهای چهاررکعتی واجب می‌داند. اما حد ترخص و مسافت محل اختلاف واقع شده است. منشأ آن به اختلاف اخبار برمی‌گردد. چون در برخی اخبار قصر به ۸ فرسخ منوط شده و در برخی دیگر به ۴ فرسخ اشاره شده است. حتی در جمع بین دو این دو دسته اخبار نیز اختلاف پیش آمده است. علامه مجلسی می‌افزاید که اظهر در جمع این است که مقدار معتبر در سفر موجب قصر، ۸ فرسخ باشد؛ حتی اگر برحسب مجموع رفت و برگشت باشد؛ یعنی چهار فرسخ برود و برگردد. بعد وی مؤیداتی از اخبار می‌آورد (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۸، قسم ۴/۶-۸). او بحث از شرایط و احکام مختلف قصر را با ذکر اخبار و بررسی اقوال علما به‌طور مفصل پیش می‌برد و جای‌جای به تبیین و ارزیابی نتیجه بحث‌هایش می‌پردازد. دقت در روش علامه مجلسی نشان می‌دهد که وی اهتمام جدی به اخبار دارد و برای آن‌ها جایگاه بالایی در کشف حکم قایل است. ضمناً او در اماکن مقدسه، یعنی در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام به تأخیر بین قصر نماز یا تمام قایل است و آن را با ذکر اخبار متعدد ثابت می‌کند و به مجادلات پیرامون آن پاسخ می‌دهد (همان: ۳۵ به بعد) در کل، داده‌ها نشان می‌دهد که علامه مجلسی در نتیجه بحث‌ها با بدنه مذهب تشیع اختلاف عمیق ندارد.

فیض کاشانی ذیل آیه مذکور، حدیثی می‌آورد که وجوب قصر در سفر را مانند وجوب تمام در حضر می‌داند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۷: ۳۰۵/۲). در باب خوف نیز وی آن را اعتبار غالب در آن وقت می‌داند. بنابراین، می‌گوید: «فإن القصر ثابت فی حال الأمن أيضاً» (همان: ۳۰۶). فیض کاشانی قصر نماز مسافر را اولاً واجب دانسته و ثانیاً خوف را شرط وجوب قصر نمی‌داند؛ لذا مسافر چه در شرایط خوفناک و چه در شرایط امن، در هر دو حال باید نمازش را به قصر بخواند. یعنی نمازهای چهاررکعتی را دوررکعتی بخواند. در کل، فیض کاشانی هم خلاف بزرگان تشیع نرفته است.

شیخ یوسف بحرانی هم معتقد است که «به‌لحاظ نص و فتوا خلافتی نیست که دو رکعت آخر چهاررکعتی‌ها در سفر جامع الشرائط ساقط می‌شود» (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۱/۲۷۵). بحرانی

هم مانند علامه مجلسی، بحث‌هایش را حول روایات و اقوال علما پیش می‌برد. پس از ذکر اخبار و اقوال، به دسته‌بندی آن‌ها می‌پردازد، تا مطلب به خوبی منعقد شود. شروط قصر نماز مسافر عبارت‌اند از (بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۷۷/۱۱ به بعد):

۱. اعتبار مسافت: اصل مسافت مورد اجماع است اما مقدارش اختلافی است. اقوال هشت فرسخ است. مسافت با دو امر دانسته می‌شود: مسیر یک روز و ذراع‌ها. اخبار یا بر ۸ فرسخ دلالت دارند یا بر ۴ فرسخ که در این مقدار به رفت و برگشت اشاره نشده است (همان: ۲۷۵-۳۰۴).
۲. قصد مسافت: مکلف اگر قصد مسافت نکند ولو سیر کند، قصر از او ساقط می‌شود (همان: ۳۰۴-۳۰۸).

۳. استمرار قصد مسافت از اول تا انتها: مسافر در کل مسیر عزم سفر داشته باشد و در قصدش عدول و انقطاع روی ندهد (همان: ۳۰۸-۳۱۰).

۴. سفرش با یکی از قواطع سه‌گانه قطع نشود که عبارت‌اند از: ۱) اقامت ده روز متوالی؛ ۲) عبور از وطن؛ و ۳) سرزمینی که طی شش ماه در آن توطن گزیده و سی روز متردداً گذشته باشد (همان: ۳۱۵-۳۲۲)؛ یعنی اقامت ده‌روزه متصلاً یا گذشت سی روز متردداً و یا رسیدن به خانه یا ملکی که قصد توطن در آن‌جا دارد (همان: ۳۴۶-۳۴۷).

۵. سفر مکلف باید جایز باشد، اعم از واجب (مانند حج) یا مستحب (مانند زیارت) یا مباح (مانند تجارت). سفر حرام باعث ترخص عصیانگر نمی‌شود. معصیت مانع تقصیر نماز است. این شرط مورد اجماع علماست. البته تحریم بر مدار نیت و قصد سفر می‌چرخد (همان: ۳۵۰-۳۵۹).
۶. سفر شغل مکلف نباشد. چون اگر سفر عمل و شغل و عادت او باشد، نمازش در سفر و حضر تمام است. وجوب تمام از حیث شغل آن‌هاست (همان: ۳۶۰-۳۷۲).

۷. دور شدن از خانه، قسمی که اذان شهر بر او پنهان شود و به گوشش نرسد (۳۷۳-۳۷۶). نکته دیگری که بحرانی بحث می‌کند، این است که مکلف در چهار مکان شریف بین قصر و اتمام تخییر دارد، گرچه افضلیت با اتمام است. مشاهد مشرفه‌ای که تخییر در آن‌جاها رواست، دو حرم شریف خانه خدا و مسجد رسول خدا ﷺ و دو حرم امام علی علیه السلام و امام

حسین علیه السلام است. اخبار زیادی در این زمینه هست که بحرانی با استناد به آن‌ها به اثبات مطلب می‌پردازد؛ ضمن این‌که به ضعف برخی روایات نیز اشاره دارد و می‌کوشد به جمع مناسبی میان اخبار برسد و آراء فقهای عظام پیش از خود را نیز به دقت بررسی می‌کند و در مقایسه با نتیجه حاصل از اخبار بعضاً آراء آن‌ها را نقد می‌کند (همان: ۴۰۴-۴۱۴). در کل، وی وجوب قصر نماز مسافر را به یقین ثابت می‌داند، چنان‌که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را رفع کند مگر دلیل ثابتی مانند آن (همان: ۴۲۸). این دلیل ثابت نزد اخباری‌ها همان روایات است. بحث تخیر بین قصر یا اتمام در چهار مکان شریف شاهد آن است.

۲. دیدگاه قرآنیون درباره نماز مسافر

نظر قرآنیون اهل سنت و شیعه را جداگانه بررسی می‌کنیم اما برخی از آن‌ها را؛ چون بررسی همه‌جانبه در این مقال اندک ممکن نیست.

۲-۱. اقوال قرآنیون اهل سنت

قرآنیون شبهات مختلفی بر سنت وارد کرده‌اند. مثلاً به نظر قرآنی‌ها سنت به‌طور عمده از خبر واحد تشکیل شده و خبر واحد حجیت ندارد. چون: ۱. خبر واحد افاده ظن می‌کند؛ ۲. قرآن کریم پیروی از ظن را نهی کرده است؛ ۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اصحابش خبر واحد را رد کرده‌اند. علما بر ظنیت خبر واحد و عدم احتجاج به آن اجماع دارند. لذا آن‌ها سنت را به‌عنوان مصدر تشریع نمی‌پذیرند (محمدیوسف، ۱۴۳۳: ۹۱). هشت شبهه آن‌ها همراه نقدشان در فصل اول از باب دوم کتاب «القرآنیون وشبهاتهم حول السنة» (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۰-۲۵۵) آمده است. قرآنیون طیف گسترده و پراکنده دارند. برخی‌شان مانند مصطفی کمال المهدوی به نماز خمسه روزانه افزوده و به جای پنج نماز، شش بار نماز می‌خواند. برعکس وی، کسانی مانند نور صالح هم هستند که نماز را کم کرده‌اند و قایل به سه نماز روزانه هستند. ازقضا بیشتر قرآنیون به همین نظر قایل‌اند: نمازهای صبح و ظهر و شام (همان: ۷۹). پراکندگی دیدگاه‌های قرآنیون درباره نماز زیاد است و تفاوت‌شان تنها به تعداد نمازها یا رکعات آن‌ها منحصر

نمی‌شود، بلکه در هیأت و ارکان نمازها نیز با هم اختلاف دارند؛ مثلاً برخی رکوع را قبول ندارند یا این که قیام بعد از رکوع را نمی‌پذیرند و پس از رکوع مستقیماً به سجده می‌روند و جز این‌ها (الشاعر، بی‌تا: ۷۰-۷۱). رشته واحدی که این طیف گسترده و متضاد را داخل یک گروه گرد آورده و مجموعه‌ای به نام «قرآنیون» ساخته، ادعای آن‌ها مبنی بر کفایت قرآن است.

برخی از قرآنیون به قصر نماز در سفر امن اعتراض دارند و قایل‌اند که این قصر مخالف قرآن است. زیرا خداوند قصر را به خوف مشروط کرده است. صورت گزاره چنین است: «اگر خوف دارید، قصر اشکال ندارد» و این یعنی این که اگر خوفی در کار نباشد، قصر جایز نیست (همان: ۸۲). مستند آن‌ها این است که قرآن بیش از این بیان نمی‌کند و مطلب هم واضح است و نیازی نیست که سنت به بیان مطلب بپردازد. بر این اساس، برخی‌شان اساساً نماز مسافر را قبول ندارند و آنچه می‌پذیرند، نماز خوف است و آیه ۱۰۱ نساء را نه درباره نماز مسافر بلکه درباره نماز خوف تفسیر می‌کنند و بدین لحاظ با دیدگاه اکثریت در موضع مخالفت قرار می‌گیرند اما برخی‌شان نماز مسافر را قبول دارند و مستفاد از آیه می‌دانند.

رشید رضا درباره آیه ۱۰۱ سوره نساء می‌نویسد که این آیه در سیاق آیات احکام جهاد آمده که در آن حکم هجرت هم آمده است. و این یعنی این که نماز در هر حالی فرض لازم است، و به هیچ وجه از گردن کسی ساقط نمی‌شود، نه در وقت قتال و نه در وقت هجرت و نه در سفر. با این حال، اوقات سفر و احوال حرب تعذرهای خاص خود را دارد که اقامه نماز را دشوار می‌سازد. به تناسب این اوقات و احوال خاص، خداوند متعال به بندگان رخصت داده که نماز را به قصر بخوانند (رشید رضا، ۱۳۶۶: ۵/۳۶۳).

صاحب المنار بحث مستوفایی از دیدگاه‌های مختلف پیرامون فراهای آیه شریفه آورده که خلاصه‌ای از آن در ادامه گزارش می‌شود. وی «ضرب فی الارض» را به معنای «سفر» گرفته است؛ زیرا مسافر پاها یا عصایش را بر زمین می‌زند یا سوار بر مرکبش می‌تازد و به سفر می‌رود. این فراز آیه عام است و شامل هرگونه سفر می‌شود، چه سفر در راه خدا برای دفاع از حق و اقامه دین باشد و چه سفر برای تجارت و سیاحت و جز این‌ها باشد، همه را شامل

می‌شود. او «جناح» را به تضییق و اثم و میل از استواء معنا می‌کند. قصر هم به معنای ترک چیزی از نماز است که نماز را کوتاه می‌کند. لذا قصر بر ترک بعضی رکعات یا ارکان مانند رکوع و سجود و جلوس برای تشهد صادق است. به همین خاطر، علما در معنای آن اختلاف کرده‌اند. برخی‌ها مراد از قصر را ترک رکعات گرفته‌اند و گفته‌اند که نماز چهاررکعتی باید دورکعتی خوانده شود اما برخی دیگر گفته‌اند که مراد آیه مطلقاً نماز خوف است که کیفیت آن در آیه بعد مشخص شده و جایی برای جدل و جدال نمی‌گذارد. بعضی گفته‌اند که مراد از آن قصر هیأت نماز است نه قصر رکعات. برخی فراتر از همه مدعی شده‌اند که مراد از قصر همانا قصر عدد و ارکان با هم است. ابن‌قیم بین اقوال جمع کرده و گفته است که یکی از هدایات پیامبر ﷺ در باب نماز خوف این است که وقتی که خوف و سفر با هم جمع شود، خداوند قصر ارکان و عدد رکعات را مباح کرده است. قصر عدد در سفر بی خوف است و قصر ارکان در خوف در غیر سفر، اما وقتی که دو حالت خوف و سفر با هم جمع شود، آنگاه قصر در عدد و ارکان با هم جمع می‌شود. فراز «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا» شرط نفی جناح در قصر نماز و فتنه و ... است و فراز «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا» تعلیل توقع فتنه کافران است (همان: ۳۶۳-۳۶۴).

صاحب المنار پس از توضیح فرازهای اصلی آیه می‌گوید که قصر در آیه «مجمل» است و علما در مراد آن دچار اختلاف شده‌اند. به نظر عام علما، آیه برای ما نوعی از قصر شناخته‌شده را تبیین می‌کند که از پیش بیان شده بوده است. لذا آن‌ها قصر را به معنای قصر در عدد رکعات می‌فهمند. شاهد آن را سنت می‌دانند که سنت مبین، اجمال قرآن است. قرآن کیفیت پاره‌ای از عبادات، مانند وضو و تیمم را بیان کرده اما کیفیت بیشتر عبادات بیان نشده است که سنت به بیان و تبیین آن‌ها پرداخته است. صاحب المنار پیش از نقد نظر عام علما، نظر استادش محمد عبده را چنین می‌آورد که کلام در باب جهاد است و جهاد مستلزم سفر است. هجرت هم سفر است. این آیات در واقع احکام سفر به خاطر جهاد یا برای هجرت در راه خدا را بیان می‌کند، نه حکم مطلق سفر را. لذا قصر مذکور در آیه همان قصر نمازهای

چهار رکعتی در سفر نیست که کیفیت و شروطش را علما در کتب خود بحث کرده‌اند (و اساساً از سنت متواتر اخذ شده) بلکه معنای قصر در آیه بعدی بیان می‌شود؛ چنان‌که آیه «فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا» (بقره: ۲۳۹) قصر در هیأت نماز و رخصتِ عدم اقامه نماز به صورت اصلی را می‌دهد. این جا هم آیه بعد نشان می‌دهد که مقصود قصر در هیأت است که برخی رکعت اول را به امام اقتدا کنند و بقیه در رکعت دوم، اما آیه از اتمام نماز آن‌ها چیزی نمی‌گوید. بنابراین، آیه دال بر قصر هیأت نماز و ارکان آن است. رشید رضا پس از ایراد نظر استادش به نقل اخباری از عایشه و ابن عباس و آراء دیگران می‌پردازد و بعضاً نقد می‌کند اما در آخر نقلی از ابن قیم می‌آورد که امیه بن خالد به عبدالله بن عمر می‌گوید: «ما نماز حضر و خوف را در قرآن می‌یابیم اما نماز سفر را در قرآن نمی‌یابیم». عبدالله بن عمر به او می‌گوید: «ای برادر! خداوند محمد ﷺ را برانگیخت در حالی که ما چیزی نمی‌دانستیم؛ پس ما همان‌سان انجام می‌دهیم که دیدیم محمد ﷺ انجام می‌داد». رشید رضا این پاسخ را فصل الخطاب تلقی کرده، می‌گوید: «این قول فصل است». (همان: ۲۷۰). در نهایت، وی به قرآن بسنده کرده و به سنت اعتنا نکرده، قصر را در سیاق آیات مذکور معنا و تفسیر کرده است. این دیدگاه یکی از قرآنیون اهل سنت است که ضمن توجه به سنت و اخبار و اقوال فقها و رد آن‌ها نهایتاً به قرآن اکتفا می‌کند. کسانی دیگر مانند صبحی منصور هم باور دارند که طبق آیه مذکور اولاً واضح است که قصر نماز فقط در حالت سفر مرتبط به خوف است و ثانیاً قصر از تعداد رکعات متعارف حساب می‌شود (صبحی منصور، ۲۰۰۸: ۱۵۰). مرجع و مستند وی نیز آیه قرآن کریم است و به سنت و اجماع اعتنا نمی‌کند.

۲-۲. اقوال قرآنیون اهل تشیع

جریان قرآنیون گرچه از دل جامعه اهل سنت ظهور کرده اما به آن‌ها منحصر نمانده است. در بین شیعه نیز افرادی پیدا شده‌اند که به دیدگاه آن‌ها (ضمن حفظ تفاوت‌هاشان) تمایل یافته و رویکرد قرآن‌بسنده‌گی را پیشه کرده‌اند. سید ابوالفضل برقعی -یکی از قرآنیون شیعی-

می‌نویسد که فهم قرآن از دو حیث آسان‌تر از فهم حدیث است. چون اولاً قرآن از سوی خداست و خدا روشن‌تر و بلیغ‌تر سخن می‌گوید؛ اما احادیث توسط بشر (ولو معصوم) ایراد شده که نمی‌تواند هم‌سطح خداوند اعجازگونه سخن بگوید. ثانیاً ائمه خود فرموده‌اند که احادیث ما «صعب مستصعب» است اما خداوند فرموده: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر: آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰)؛ تأکید هم نموده: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ» (دخان: ۵۸؛ مریم: ۹۷). در مجموع، برقی در تفسیرش، سیزده دلیل بر بسندگی قرآن و قابل فهم بودن آن برای همه آورده است (برقی، ۱۳۹۵: ۱/ ۷۰-۸۱). وی در مقدمه «احکام القرآن» (که رساله عملی وی است) می‌گوید که حدیث نسبت به قرآن امتیاز خاصی ندارد که فهم قرآن منوط بدان باشد. مثلاً اگر گفته شود که قرآن آیاتی دال بر جبر یا تفویض دارد و ما نمی‌دانیم کدام را اخذ کنیم، همین ایراد در احادیث نیز هست. پس، آن‌ها بین‌تر از قرآن نیستند و قرآن نیازمند احادیث نیست (برقی، بی‌تا: ۸). در ادامه دیدگاه وی درباره قصر نماز و تفسیر آیه شریفه بررسی می‌شود.

برقی ابتدا اصل نماز را «یک رکعت» می‌داند. لذا افزایش آن را نیازمند دلیل می‌داند. دلیل سخن خود را به آیات استناد می‌دهد. در قرآن آمده: «أَقِمِ الصَّلَاةَ» (طه: ۱۴؛ هود: ۱۱۴؛ عنکبوت: ۴۵؛ ...) و «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره: ۴۳؛ بقره: ۱۱۰؛ نساء: ۱۰۳؛ نور: ۵۶؛ روم: ۳۱؛ ...) امر به اقامه مطلق است و مطلق بر فرد واحد یعنی یک رکعت هم صدق می‌کند. البته دلیلی که خودش بر افزایش رکعات پذیرفته، روایت‌هایی است که در این زمینه وجود دارد (برقی، بی‌تا: ۲۴۳-۲۴۴).

اما درباره نماز مسافر، وی به تنها آیه (نساء: ۱۰۱) استناد می‌دهد. در رساله «احکام القرآن»، پس از ذکر روایتی از «وسایل الشیعه» و تأیید دیدگاه خود مبنی بر اصل بودن یک رکعت و افزوده شدن رکعات دیگر، آنگاه به آیه ۱۰۱ سوره نساء اشاره می‌کند و پراکنده چند نکته مهم آن را توضیح می‌دهد. همین‌طور در کتاب تفسیر خود نیز برخی از نکات آیه را برمی‌شمارد. بنابراین، گزارش تفسیر وی از آیه قصر طبق فرازهای آیه در پی می‌آید.

«وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ به نظر برقی این جمله «دلالت دارد که اگر به پای خود

مسافرت در زمین کردید حکم قصر می‌آید، ولی با طیاره و یا با ماشین در هر صورت چنین نیست» (برقی، ۱۳۹۵: ۱/۵۴۹). در رساله‌اش نیز همین حکم را می‌گوید که بحثش در ادامه خواهد آمد.

«فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ»؛ طبق این فراز، قصر برای راحتی و تخفیف سفر وضع شده است که خداوند عطیه داده و نباید آن را رد کرد. به نظر برقی، نفی جناح با وجوب قصر منافات ندارد؛ چون در آیه ۱۵۸ سوره بقره نیز نفی جناح آمده که به طور قطع معنای وجوب می‌دهد (برقی، بی‌تا: ۳۲۴-۳۲۵). این جا وی همان دلیل اعظم شیعه را تکرار کرده است. توضیح روایتی که از امام باقر علیه السلام در رساله خود آورده، تکرار بیان علمای دیگر است و تحلیل متفاوتی از روایت ارایه نمی‌دهد.

«أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»؛ این فراز نشان می‌دهد که نماز دارای دو حالت قصر و تمام است؛ و اتمام دو برابر قصر است: «قصر نماز هر قدر بود، اتمام آن دو برابر است» (همان: ۲۴۶). قصر به دو نحو است: ۱. قصر در تعداد رکعات نماز؛ ۲. قصر در ارکان نماز (همان: ۲۴۷). سبب قصر هم دو چیز است: ۱. سفر؛ و ۲. خوف (همان: ۳۲۶). کسی که در موقعیت خوف یا سفر قرار ندارد، نمازش را باید تمام بخواند. مسافری که در شرایط امن قرار دارد و در معرض خوف نیست، باید قصر در رکعات کند، نه قصر در ارکان؛ اما مکلفی که در وطن و در حال خوف است، باید قصر در ارکان کند؛ یعنی «رکوع و سجود را به اشاره انجام دهد» (همان). در نگاه اولیه، ظاهر آیه قصر می‌رساند که سفر و خوف با هم موجب قصر می‌شود و اگر یکی نباشد، قصر نیست. برقی در پاسخ می‌گوید گرچه هر دو جمعاً سبب قصر می‌شوند اما آن دو منفرداً هم سبب قصر می‌شوند.

«إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ این جمله «دلالت دارد که اگر در سفر خوف از خطر کفار باشد قصر است والا خیر» (برقی، ۱۳۹۵: ۱/۵۴۹). این جا وی دو شرط را تذکر داده است: ۱. سفر با قدم باشد (یعنی مثلاً سفر هوایی نباشد)؛ ۲. خوف در کار باشد. با این دو شرط، «در سفر هشت فرسخی که زحمت و زمان سیر آن کمتر از یک روز نیست، باید قصر نمود».

او حد مسافت را یک روز می‌داند، به استناد سنت یعنی سفر رسول خدا ﷺ (همان).
برقعی درباره مسافت و حد سفر، گرچه حرف تازه‌ای نمی‌گوید اما نسبتاً متفاوت با فقها حرف می‌زند. غالب فقهای معاصر مقدار سفر را هشت فرسخ می‌گویند. البته همه قدما و متأخرین قبول دارند که در روایات سه تعبیر درباره مقدار مسافت آمده است: ۱. «مسیر یک روز»؛ ۲. «دوبرید»؛ ۳. «هشت فرسخ». اولی معیار زمانی است و دوتای دیگر معیار مکانی. بیشتر علما هشت فرسخ را ملاک گفته‌اند. تفاوت ملاک زمانی و مکانی در زمانه کنونی روشن است. دوبرید یا هشت فرسخ معادل حدود ۴۵ کیلومتر است که به لحاظ زمانی، در آن روزگار طی یک روز پیموده می‌شد اما اکنون با ماشین نیم ساعت پیموده می‌شود. عرف امروز نیم ساعت سفر را «مسافرت» نمی‌گویند. برقعی برخلاف دیدگاه غالب فقهای معاصر در این جا ملاک زمانی را به عنوان مبنای قصر پذیرفته و برجسته کرده است:

در روایات بسیار وارد شده که حد سفر سیر یک روز است؛ و رسول خدا به ذی‌خشب که سیر یک روز بوده، نماز خود را قصر کرده. البته در آن زمان سیر یک روز تحدید شده به هشت فرسخ؛ ولی زمان ما که عصر ماشین و طیاره است، باید سیر یک روز را در نظر بگیرند که اگر رفت و برگشت مسافر یک روز طول می‌کشد قصر کند والا فلا (برقعی، بی‌تا: ۳۲۸).

وی این‌جا باز تأکید می‌کند که با طیاره «اگر دو ساعت رفت سر ۲۵ فرسخی و برگشت، قصر نیست» اما درباره پیاده و سواره بر حیوان همان نظر قدما و فقها را می‌گوید: «کسی که چهار فرسخ با قدم و یا با حیوان برود و چهار فرسخ برگردد، مسافر است، باید قصر کند ... و این حکم برای راکب سیاره و طیاره نیست» (همان: ۳۲۹).

برقعی درباره حد ترخص با اقوال رایج موافق است که قصر وقتی جایز است که «انسان از محل و وطن خود خارج شده باشد؛ به طوری که دیوار را نبیند و یا صدای مؤذن را نشنود» (همان). البته هر سفری سبب قصر نمی‌شود. سفر باید حلال باشد. پس، «کسی که سفر او حرام باشد، برای او تخفیفی از حق تعالی نیست. زیرا عطای حق برای مطیعان است نه عاصیان» (همان). دایم السفر هم «باید همواره تمام بخواند» (همان: ۳۲۸).

در کل، از مباحث فوق دیده می‌شود که برقی به‌رغم این که جزو قرآنیون است اما درباره نماز مسافر نظر چندان متفاوت با فقها ندارد، البته به جز درباره مقدار مسافت سفر، که از قضا این تفاوت (مسافت یک روزه) نه تنها بر مبنای قرآن استنباط نشده بلکه بر مبنای حدیث و سنت رسول خدا ﷺ بیان شده است. بنابراین، برخی از قرآنیون چندان به مبنای کفایت قرآن پایبندی ندارند و عنداللزوم از روایات برای کشف حکم بهره می‌برند؛ یعنی اخبار را به‌عنوان مبنای حکم شرعی می‌پذیرند.

یکی دیگر از قرآنیون مشهور شیعه، آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی است که در چندین اثر خویش به مسأله نماز مسافر اشاره و از آن بحث کرده است: ۱. نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران؛ ۲. رساله توضیح المسایل نوین؛ ۳. تفسیر الفرقان؛ و جز این‌ها. وی قصر، کاستن نماز را تنها در شرایط خوف و خطر و ضرر می‌داند و مانند برقی، مقدار مسافت جهت وجوب قصر را «یک روز» می‌داند. فشرده نظر وی به شرح زیر است:

به نظر صادقی تهرانی، صلاة از «صلاء» به‌معنای «گیرانه» گرفته شده (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲: ۷). نماز به‌لحاظ کیفیت، «تنها در صورتی کاستی می‌یابد که تکمیلش خطری را برای نوامیس پنج‌گانه دین، جان، عقل، عرض و مال پیش آورد...» (همان: ۱۰). در ادامه می‌افزاید: «قرآن قصر از صلوة را فقط هنگام خوف، جایز و واجب دانسته که آن هم تنها در انحصار کیفیات نماز است، نه کمیت (تعداد رکعات)» (همان: ۱۳). به نظر دکتر صادقی تهرانی، قرآن برای سفر لفظ خاص دارد و منظور از «ضربتم» هر سفری نیست، بلکه سفر خطرناک و جانکاه منظور است (همان: ۱۴). همچنین، قصر با شرط «إن خفتم» آمده که «فقط قصر از کیفیت نماز را در بر دارد» (همان: ۱۶). یعنی خوف «شرط اصلی» قصر نماز است (همان: ۱۸). بنابراین، قصر نماز طبق نص قرآن حصر در خوف دارد و در مطلق سفر جایز نیست (همان: ۲۰ و ۲۲).

اما به‌لحاظ روایی، دکتر صادقی تهرانی روایات را چند دسته می‌داند که باید به قرآن عرضه شوند: ۱. برخی روایات تنها خوف را موجب تغییر کیفیت نماز می‌دانند؛ ۲. برخی روایات قصر را برای تمام مسافران واجب دانسته است. دسته اول موافق قرآن اما دسته دوم خلاف آن است.

لذا منظور از سفر همانا سفر جنگی یا سفر خطرناک است، نه هر سفری (همان: ۲۳). مقدار سفر هم «مسیره یوم» است (همان: ۲۴). در مجموع، «کلاً سفر بدون خطر و ضرر از گردونه قصر و افطار بیرون شده است» (همان: ۲۶)؛ زیرا «قرآن اصلاً به موضوعیت مطلق سفر برای قصر و افطار اشاره‌ای نکرده، بلکه تصریح به انحصار قصر و افطار در خوف و یا ضرر نموده است» (همان: ۲۷). این خط‌مشی دکتر صادقی تهرانی موضع قرآنی وی را نشان می‌دهد که اخبار خلاف نص را نمی‌پذیرد و از چند جهت آن‌ها را رد می‌کند و بر موضع قرآنی اصرار می‌ورزد.

در کتاب تفسیر وی آمده: آیات ۱۰۴-۱۰۷ سوره نساء «از صفت خوف تنزیلاً و از نماز سفر تأویلاً سخن می‌گویند» (صادقی تهرانی، بی‌تا: ۱۷۷). وی نص آیه را مشعر به نماز خوف می‌داند اما برای این که جایی برای توجیه روایات باز کرده باشد، اطلاق آیه بر نماز مسافر را از باب «تأویل» می‌داند که به نظر وی، تأویل به خداوند اختصاص دارد و البته بعضاً به پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام نیز داده شده است. به هر حال، آیه بر خوف نفس دلالت دارد، «فالمحور الأصل هو الخوف والخوف فقط» (صادقی تهرانی، بی‌تا: ۱۸۲). اما این که پیامبر ﷺ در سفرهای یک‌روزه و بیشتر، چهار رکعتی را دور رکعتی می‌خواند، به خاطر «تعب سفر» و «عسر نوعی» است (همان: ۱۸۴). به همین دلیل، قصر منحصر به خوف نیست (همان: ۱۸۵). درباره این ادعا که اصل نماز دو رکعت است و دو رکعت دیگرش زیادت است، باید گفت که این زیادت اصل و اساس ندارد. زیرا رسول خدا حق زیادت و تنقیص در فرائض را ندارد (همان: ۱۹۳).

خلاصه، دکتر صادقی تهرانی وجوب قصر را با استناد به آیه منوط به خوف می‌داند و با استناد به روایات، عسر نوعی سفر را نیز موجب قصر می‌داند. به همین خاطر، یک روز را به عنوان مقدار سفر می‌پذیرد و طبق آن، سفر هشت فرسخی با وسایل امروزی را موجب قصر نمی‌داند. به عبارتی، وی سفرهای کنونی را موجب قصر نمی‌داند؛ چون خطر و ضرر جانی و عسر نوعی ندارد. دیگر این که او قصر را به هیچ وجه قصر در رکعات نمی‌داند بلکه کاستن را تنها در کیفیت نماز جایز می‌داند. احادیث دال بر قصر رکعات را خلاف نص قرآن می‌داند و نمی‌پذیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۸۴: ۱۵۱). این طرز نگاه از رویکرد قرآنی وی حکایت می‌کند.

۳. مقایسه و تطبیق دیدگاه اخباریون و قرآنیون

در این تحقیق به طور خاص مسأله قصر نماز و تفسیر آیه ۱۰۱ سوره نساء نزد دو گروه اخباری‌ها و قرآنی‌ها بررسی شد. به لحاظ مبنایی، اخباریون برای عقل در استنباط احکام شرعی حجیت قایل نیستند؛ علم اصول و قواعد آن را در کشف احکام شرعی نمی‌پذیرند، بلکه ضمن قبول قرآن به عنوان مرجع شریعت، اخبار معصومین علیهم‌السلام را سزاوار استناد و مرجعیت جهت کشف و تفسیر حکم شرعی می‌دانند، اما گروه قرآنیون حتی برای احادیث هم حجیت قایل نیستند و آن را سزاوار کشف حکم شرعی نمی‌دانند. بنابراین، قرآنیون در نقطه مقابل اخباریون قرار دارند. پس «مبناها» و «زیربناهای فکری» یکی از وجوه افتراق دو دیدگاه است، که البته مسأله اصلی تحقیق حاضر نبود و مقاله یک مسأله روبنایی را مورد کاوش قرار داد. با این حال، در خصوص مسأله قصر نماز، هم وجوه اشتراک و هم وجوه افتراق میان دو دیدگاه مذکور دیده می‌شد.

۳-۱. وجوه اشتراک

در خصوص اصل قصر نماز، اخباری‌ها با اصولی‌ها و قاطبه اهل تشیع فرق اساسی ندارند و تقریباً به حکم مشترک قایل‌اند. قصر نماز مسافر را واجب می‌دانند، نه رخصت. بعد، قصر مذکور را قصر در رکعات می‌دانند، نه قصر در ارکان. شرایط وجوب آن را همان شرایطی می‌دانند که اصولی‌ها بدان فتوا داده‌اند. علاوه بر این‌ها، در حکم تخییر بین قصر و اتمام در اماکن شریفه چهارگانه میان اخباری‌ها و اصولی‌ها وجه اشتراک وجود دارد. در مورد تخییر، هر دو گروه شیعه بر مبنای روایات فتوا داده‌اند و به همین خاطر، روایت مبنای هر دو را تشکیل می‌دهد. پس، قسمی هم‌نظری میان اخباری‌ها و اصولی‌ها وجود دارد که قابل انکار نیست. همین‌طور نوعی هم‌نظری میان اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه دیده می‌شود، که در مجموع ثابت می‌کند مکاتب شیعی قرابت و همگرایی بیشتری با یکدیگر دارند.

اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه در بیشتر وجوه مسأله محل بحث با یکدیگر اشتراک دارند ولی در برخی وجوه با همدیگر اختلاف دارند. اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه، هر دو قصر نماز

مسافر را قبول دارند و می‌پذیرند که آیه ۱۰۱ سوره نساء درباره نماز مسافر نازل شده است که آیه حکم به وجوب قصر داده است. هر دو گروه اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه، قصر را قصر در رکعات می‌دانند. هر دو برای تعیین وجوب قصر شروط مشابهی را قبول دارند که در سنت و احادیث ریشه دارد. پس، موارد یا مسایلی هست که قرآنی‌های شیعه در خصوص آن‌ها حجیت اخبار را پذیرفته و بر مبنای آن به کشف حکم می‌پردازند. البته یک مورد اختلاف دیده شد، که در ادامه خواهد آمد. بنابراین، تا جایی که به قصر نماز مسافر و شروط وجوب آن مربوط می‌شود، میان اخباری‌ها و قرآنی‌ها افتراق جدی و لاینحل دیده نشد. آن‌ها بیشتر اشتراک دارند، تا اختلاف. اما اخباری‌ها با قرآنیون اهل سنت در چند مورد اختلاف اساسی دارند که در ادامه بیان می‌شود.

۳-۲. وجوه افتراق

اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه هر دو ملاک‌های سه‌گانه مذکور در روایات را قبول دارند اما به نظر می‌رسد که قرآنی‌های شیعه مقدار زمانی مسافت را برجسته کرده‌اند. گفته شد که سه سنجیدار درباره مقدار مسافت جهت قصر در سنت و اخبار دیده می‌شود: یک ملاک زمانی که «مسیر یک روز» تعبیر شده، و دو ملاک مکانی، که «دو برید» و «هشت فرسخ» گفته شده است. البته تعابیر دیگر مانند چهار فرسخ و ذراع و جز این‌ها نیز استعمال شده اما سه مورد نخست بیشتر به کار رفته است. برقی در مورد اعتبار مسافت قایل است که مکلف کنونی اگر با وسایل امروزی مانند ماشین و قطار و هواپیما مسافرت کند، در این صورت باید ملاک «یک روز سفر» را به عنوان تعیین وجوب قصر در نظر بگیرد و نمازهای سفر کمتر از یک روز را نباید به قصر بخواند اما اگر با پای پیاده یا با حیوان (مثلاً در روستاها) سفر می‌کند، آنگاه همان معیار هشت فرسخ برای وجوب قصر صحیح است و باید به قصر بخواند. اخباری‌ها بدین نکته تصریح ندارند. آن‌ها هر سه معیار را یکی در نظر گرفته‌اند که هر کدام احراز شد، وجوب قصر تعیین پیدا می‌کند. غیر از این‌ها، قرآنی‌های شیعه یک‌دست نیستند. برخی مانند دکتر

صادقی تهرانی، قصر را قصر در کیفیت (نه رکعات) و منوط به خوف و خطر جانی دانسته، به تبع سفرهای امروزی را موجب قصر نمی‌داند.

اما قرآنیون اهل سنت طیف‌های مختلف با دیدگاه‌های متعارض دارند؛ چنان‌که برخی شان به سه نماز در روز، بعضی پنج نماز و برخی شش نماز قایل‌اند. علاوه بر این، در رکعات و هیأت و ارکان نماز نیز با همدیگر اختلاف نظر دارند. با این حال، آن‌ها روایات را هموزن آیات و به‌عنوان مرجع حکم شرعی نمی‌دانند؛ لذا سنت را در کنار کتاب خدا حجت نمی‌دانند. در این تحقیق، دیدگاه معتدل آن‌ها تحت تحقیق قرار گرفت. طبق داده‌های پژوهش روشن شد که برخی از قرآنیون اساساً قبول ندارند که چیزی به نام نماز مسافر در قرآن آمده است. آن‌ها آیه ۱۰۱ سوره نساء را درباره نماز خوف می‌دانند، نه درباره نماز مسافر. این یک اختلاف جدی و اساسی است.

رشید رضا که از قرآنی‌های اهل سنت است، در وهله اول دلالت آیه ۱۰۱ سوره نساء بر قصر نماز را «مجمّل» می‌خواند. چون معلوم نیست که منظور آن قصر در رکعات نماز است یا قصر در هیأت و ارکان نماز. اما بعد وجه رایج را رد می‌کند. به نظر او، سیاق و ظاهر آیه نشان می‌دهد که اولاً قصر رخصت است، نه وجوب؛ ثانیاً رخصت در مورد سفر پرخوف و خطر عطا شده است، نه برای هر نوع سفری؛ ثالثاً قصر در ارکان منظور است، نه در رکعات؛ درحالی‌که سنت رسول خدا ﷺ قصر را، قصر در رکعات بیان می‌کند اما رشید رضا و قرآنی‌ها چون سنت را نمی‌پذیرند، بر همان معنای مستفاد از ظاهر آیه اصرار می‌ورزند. از این حیث، قرآنی‌های اهل سنت در اختلاف و تقابل شدید با اخباری‌های شیعه قرار می‌گیرند. البته میان دیدگاه قرآنی‌های اهل سنت و شیعه نیز مقداری اختلاف مشاهده شد.

قرآنی‌های شیعه در خصوص قصر نماز مسافر گرچه تفاوت عمیق با اخباری‌ها و اصولی‌ها ندارند، اما بدون اختلاف هم نیستند. قرآنی‌های شیعه مانند برقی اولاً آیه را مربوط نماز مسافر می‌دانند و از این حیث، با سنت و اخباری‌ها و اصولی‌ها موافق‌اند اما با قرآنی‌های اهل سنت مانند برقی مخالف‌اند و افتراق دارند. ثانیاً قصر را واجب و در رکعات می‌دانند،

نه رخصت و در ارکان. از این حیث نیز با قرآنیون اهل سنت فرق دارند و به اخباری‌ها نزدیک شده‌اند.

نتیجه

اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه با این‌که در مبانی و زیربنای فکری و عقیدتی با یکدیگر اختلاف دارند اما در مورد احکام قصر نماز مسافر و تفسیر آیه قصر (نساء: ۱۰۱)، اشتراک نظر قابل توجهی میان آن‌ها دیده می‌شود اما میان اخباری‌های شیعه و قرآنی‌های اهل سنت، اختلاف و افتراق شدید وجود دارد.

اخباری‌ها و قرآنی‌های اهل سنت هم در مبانی و زیربناها و هم در روبناها و مسایل فرعی اختلاف نظر دارند. افتراق اصلی آن‌ها در خصوص تفسیر آیه ۱۰۱ سوره نساء این است که اخباری‌ها و قرآنی‌های شیعه، آیه مذکور را درباره نماز مسافر و وجوب قصر آن (در صورت داشتن شروط وجوب) می‌دانند اما قرآنیون اهل سنت اساساً آیه شریفه را درباره نماز خوف می‌دانند و معتقدند که آیه در ضمن آیات جهاد و در سیاق خوف و خطر آمده و لذا مربوط به احکام جهاد و شرایط اضطراری می‌شود و آیه در پی تشریع نماز مسافر نیست. سپس، احکام متفاوتی را مطرح می‌کنند که درباره نماز خوف است. البته برخی از قرآنی‌های شیعه مانند دکتر صادقی نهرانی، به دیدگاه قرآنی‌های اهل سنت نزدیک می‌باشد. چون درنهایت آیه را نماز خوف می‌داند و سفرهای امروزی را موجب قصر نمی‌داند.

کتابنامه

قرآن کریم

آقای، سید علی، قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه های اهل قرآن، معرفت کلامی، شماره ۳، ۱۳۸۹.

ابن سلیمان الرومی، فهد بن عبدالرحمن، الصلاة فی القرآن الکریم؛ مفهومها وفقهها، ریاض، مکتبة العبيکان، ۱۴۱۷ق.

ابن فارس، احمد، ترتيب مقایس اللغة، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

استرآبادی، محمدامین، الفوائد الممدنیة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ق.

اسدی گرمارودی، محمد، نماز مسافر در تفسیر آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نساء، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اسلامی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸.

اسماعیلی، احمد بن ابراهیم، اعتقاد ائمة الحديث، ریاض، دار العصامة، ۱۴۱۲ق.

البحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.

البروجردی، مرتضی، موسوعة الامام الخوئی: المستند فی شرح العروة الوثقی، بی جا، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ق.

الحلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲.

الحلی، الحسن بن یوسف، نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

الراغب الاصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، ۱۴۳۰ق.

الشاعر، عمرو، القرآن یون مصلحون أم هادمون، بی جا، سایت اینترنتی اندیشه قرآنی (quranicthought.com)، بی تا.

العودة، فوزی محمد، موسوعة الصلاة الصحيحة، ریاض، مکتبة التوبة، ۱۴۱۹ق.

القحطانی، سعید بن علی، صلاة المسافر، ریاض، مؤسسة الجریسی، ۱۴۲۱ق.

المرشدی العتیبی، مطر بن دغیس، الصلاة فی القرآن، امارات، مؤسسة بینونة للنشر والتوزیع، ۱۴۳۳ق.

الهی بخش، خادم حسین، *القرآنیون وشبهاتهم حول السنة*، طائف، مكتبة الصديق، ۱۴۲۱ق.
انصاری قمی، محمدرضا، *رساله ای در رد دیدگاه های اخباریان*، پژوهش های اصولی،
شماره ۱۲، ۱۳۹۱.

انصاری، مرتضی، *تراث الشيخ الاعظم، کتاب الصلاة*، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۳۸۰.
بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
برقعی، سید ابوالفضل، *تابشی از قرآن*، بی جا، سایت عقیده، ۱۳۹۵.

_____، *رساله احکام القرآن*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، بی تا.
برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
البغدادی، الخطیب، *شرف اصحاب الحديث*، بیروت، دار احیاء السنة النبویة، بی تا.
بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبد الله البخاری الجعفی، *صحیح البخاری* - الجامع المسند
الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و أيامه، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا،
دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم، ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
ترمذی، محمد بن عیسیٰ أبوعیسیٰ السلمي، *الجامع الصحيح؛ سنن الترمذی*، تحقیق أحمد
محمد شاکر وآخرون، بیروت، دار إحياء التراث العربي (بی تا).

_____، *الجامع الصحيح؛ سنن الترمذی*، تحقیق و تعلیق أحمد محمد شاکر و
محمد فؤاد عبد الباقي، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
توفیق افندی صدقی، محمد، *الاسلام هو القرآن وحده*، المنار، شماره ۲۵۶، ۱۲۸۵.
جعفرزاده، قاسم، *بررسی روش شناختی اخباری گری با تأکید بر اندیشه های امین
استرآبادی*، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۱، ۱۳۹۴.

جواد علی، *تاریخ الصلاة فی الإسلام*، بغداد، مطبعة ضیاء، بی تا.
حسینی، سید عبدالله، *قرآنیون یا منکران سنت؟*، معرفت کلامی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
خالد کبیر، علال، *الازمة العقيدية بين الاشاعرة و اهل الحديث*، الجزائر، دار امام المالك،
۱۴۲۶ق.

رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن الکریم*، مصر، دار المنار، ۱۳۶۶ق.
رفاعی، عبد الجبار، *منابع استنباط از نظر اصولیان و اخباریان*، آینه پژوهش، شماره ۱۶، ۱۳۷۱.

تحلیل تطبیقی نماز مسافر از منظر اخباریون و قرآنیون ۱۴۱۵

زرقي، موسى، حسين صابري، و عبدالكريم عبداللهى نژاد، *اخبارى كيست؟*، مطالعات اسلامى فقه و اصول، شماره ۱۰۴، ۱۳۹۵.

سخاوى، شمس الدين، *الاعلان بالتوبيخ*، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
السمعانى، منصور، *الانتصار لاصحاب الحديث*، مدينة، اضواء المنار، ۱۹۹۶م.
شاهرودى، محمدرضا، محمدامين تفضلى و منصور پهلوان، *جاىگاه حديث در فهم قرآن؛ مقارنه و تطبيق آراء ميرزا مهدي اصفهاني و اخباريان*، پژوهش هاى قرآن و حديث، شماره ۱، ۱۳۹۷.
شعار، يوسف، *تفسير آيات مشكله*، تبريز، مجلس تفسير، ۱۴۰۰ق.
الشهرستانى، الملل و النحل، بيروت، دار المعرفة، ۱۳۹۵ق.
شهيد اول، محمد بن مكى، *موسوعة الشهيد الأول*، قم، المركز العالى للعلوم والثقافة الإسلامية، ۱۴۳۵ق.

صادقى تهرانى، محمد، *الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن والسنة*، بى جا، اينترنتى، بى تا.
_____ *رساله توضيح المسائل نوين*، تهران، اميد فردا، ۱۳۸۴.
_____ *نگرشى جديد بر نماز و روزه مسافران*، قم، شکرانه، ۱۳۹۲.
صبحى منصور، احمد، *الصلاة بين القرآن الكريم والمسلمين*، بيروت، الانتشار العربى، ۲۰۰۸م.
_____ *القرآن وكفى مصدرا للتشريع الاسلامى*، بيروت، مؤسسة الانتشار العربى، ۲۰۰۵م.

طیبى، زينت، و محمدعلى مهدوى راد، *آسيب هاى مبنائى و روشى قرآنيون در فهم و تفسير قرآن*، فصلنامه علمى - پژوهشى پژوهش هاى قرآنى، شماره ۷۶، ۱۳۹۴.
عابدى شاهرودى، على، *نقد اصوليين بر طريقه اخبارى*، كيهان اندیشه، شماره ۳۴، ۱۳۶۹.
عسكرى، سيد مرتضى، *معالم المدرستين* (الاجزاء الاول)، بى جا، التوحيد النشر، ۱۴۳۰ق.
فيض كاشانى، محمد بن مرتضى، *كتاب الصافي فى تفسير القرآن*، طهران، دار الكتاب الإسلامية، ۱۳۷۷.

مجلسى، محمداقبر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، قم، نور وحي، ۱۳۸۸.
محمد يوسف، عبدالرحمن محمد، *القرآنيون فى مصر وموقف الإسلام منهم*، القاهرة، دار البيان، ۱۴۳۳ق.

